

## منزعه بر سر جزایر و منابع دریای

### جنوب چین

یگانه سادات طباطبایی<sup>۱</sup>

هنگامه البرزی<sup>۲</sup>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

<sup>۱</sup>. دانش آموخته کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل [Yegane-tabatabaei@yahoo.com](mailto:Yegane-tabatabaei@yahoo.com)

<sup>۲</sup>. دانشجوی دکتری علوم سیاسی [hengamehalborzi@yahoo.com](mailto:hengamehalborzi@yahoo.com)

## چکیده

در سال‌های اخیر دریای جنوب چین به یکی از کانون‌های مهم بحران در منطقه آسیای پاسیفیک تبدیل شده است. این نوشتار به بررسی موقعیت ژئوپلتیک و ژئواکونومیک و ژئواستراتژیک دریای جنوب چین، ادعاهای متناقض کشورهای مدعی در دریای جنوب چین و ارائه راه حل‌های مختلف جهت حل این مشکل از جمله مذاکرات و همکاری‌های چندجانبه می‌پردازد. مقاله با روشی توصیفی تحلیلی و با توجه به موقعیت و تحولات ژئوپلتیک منطقه بدنبال پاسخگویی به این سؤال است که سیاست کشورهای مدعی در دریای جنوب چین، در قبال یکدیگر چگونه قابل ارزیابی است؟ براساس رویکرد ژئوپلتیک محور به این پاسخ می‌رسیم که هرکدام از بازیگران منطقه ای و فرامنطقه ای برای کنترل بر منابع و تسلط جغرافیایی بر حوزه های مهم تلاش می‌کنند. در نتیجه، شرایط منطقه بخصوص با تحولات ژئوپلتیک و رشد اقتصادی و نظامی روزافزون چین و کوشش کشورها برای توسعه منابع انرژی بدون توجه به حقوق دیگران می‌تواند منجر به افزایش پیچیدگی های بیشتر در منطقه و ادامه منازعه گردد.

• واژگان کلیدی

دریای جنوب چین، ژئوپلتیک، آسیای پاسیفیک، ژئواستراتژیک، ژئواکونومیک.

در حالیکه در دوره جنگ سرد ابرقدرتها و منافعشان تعیین کننده سرنوشت بسیاری از وقایع جهان بودند، در دوره پس از جنگ سرد جهان ماهیت چندقطبی پیدا کرده و امکان رشد هر چه بیشتر قدرتهای منطقه ای فراهم گشت بگونه ای که مناطق و قدرتهای منطقه ای از فرصت بیشتری برای تحرک بهره مند شدند و در برخی از مناطق تغییرات قدرت منجر به جابجایی قطبهای قدرت جهانی گشت (مسرور و حسن خانی، ۱۳۹۷: ۱۶۹).

در منطقه دریای جنوب چین و جزایر اطراف آن نیز دوران جدیدی از رقابت‌های ژئوپلتیک و ژئواستراتژیک (تغییر ساختار قدرت به نفع چین) و ژئواکونومیک (پیشرفت حیرت آور اقتصاد چین) را نظاره گر هستیم. دریای جنوب چین سرشار از منابع اولیه و طبیعی مانند هیدروکربن و گاز طبیعی است و از طریق این دریا ترلیون ها دلار تجارت جهانی جا بجا می شود. چین همواره از تمام همسایگان خود (به جز شوروی سابق) قویتر بوده است و در دریای جنوب چین نیز این امر محسوس تر است. لیکن رشد و توسعه چین ساختار امنیتی در شرق آسیا (با محوریت آمریکا) را بر هم زده است و این امر نگرانی کشورهای جنوب شرق آسیا را در پی داشته است. در همین راستا، برخی از اعضای آ.سه.آن از طریق دادن پایگاههای مختلف به ایالات متحده و دخالت دادن دیگر قدرتهای منطقه ای نظیر ژاپن و استرالیا در منازعه دریای جنوب چین، تلاش می کنند اتحادی را علیه چین ایجاد نموده و توازن را به نفع خود ایجاد و حفظ کنند. با این حال، حضور هر چه بیشتر دیگر کشورها بخصوص ایالات متحده سبب تشدید درگیریها خواهد شد و این امر می تواند باعث مختل شدن مسیرهای تجاری در مناطق دریایی مختلف شرق و جنوب دریای چین شود.

سابقه اختلافات بر سر جزایر دریای جنوب چین به قرن ها می رسد و هر یک از کشورها بر مبنای شواهدی که ارائه می کنند، مدعی حاکمیت بر کل یا قسمتی از این جزایر هستند. کشورهای این منطقه به شدت در حال توسعه اند و از سوی دیگر از لحاظ منابع انرژی، به میزان قابل توجهی فقیر هستند و نیازمند واردات حجم عظیمی از انرژی می باشند. بنابراین، بخشی از ریشه اختلافات به حوزه انرژی بازمی گردد. البته، استخراج این منابع در سال های گذشته که قیمت انرژی ارزان تر بود و تکنولوژی های جدید وجود نداشت، چندان به صرفه نبود اما در سال های اخیر، به مدد کشف تکنولوژی های جدید در حوزه استخراج منابع انرژی از یکسو و

افزایش قیمت انرژی از سوی دیگر، استخراج این منابع برای کشورهای منطقه را مقرون به صرفه کرده است و اهمیت ژئوپلتیک منطقه را دوچندان نموده است.

همچنین، در سال‌های گذشته به موازات روند رو به رشد چین، موضع این کشور در قبال دریای جنوب چین و جزایر آن، تا حدودی صریح‌تر شده است. پکن اینک با لحنی صریح‌تر و تندتر در مورد حاکمیت خود بر این جزایر و رد ادعاهای سایر کشورها سخن می‌گوید. چین که مهم‌ترین و بزرگ‌ترین کشور منطقه است و قدمت تاریخی آن با سایر کشورهای منطقه قابل قیاس نیست، مدعی است که عمده این جزایر بر اساس شواهد تاریخی به چین تعلق دارد و بخشی از خاک این کشور محسوب می‌شود. این ادعا باعث شده که کشورهای ساحلی در اطراف دریای جنوب چین نگران آینده این جزایر و منافع خود شده و بیش از پیش برای حفظ موقعیت خود و مقاومت در مقابل چین تلاش کنند. بخصوص با خیزش اقتصادی و نظامی چین در سالهای اخیر، دریای جنوبی چین از نظر ژئوپلتیک، ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک از اهمیت بسیار زیادی برخوردار گشته است که این مسأله در سالهای اخیر بر شدت اختلافات و تنشها در این دریا افزوده است. چین ادعای حاکمیت بر جزایر اسپراتلی، پاراسل و همچنین آب‌های اطراف آن را دارد و تلاش می‌کند مانع از تسلط مدعیان دیگر نظیر ویتنام، فیلیپین و مالزی از توسعه و اکتشاف نفت و گاز در مناطق مورد ادعای خود شود. این عملکرد موجب شده روابط چین با این کشورها با ناهمواری‌های زیاد و عدم اعتماد میان دو طرف همراه باشد. چین تقریباً بر کل دریا و کشورهای ویتنام، فیلیپین، مالزی، برونئی و تایوان هر یک بر بخش‌هایی از آن ادعای مالکیت دارند. در این منطقه صدها جزیره وجود دارد که بسیاری از آنها مورد مناقشه کشورهای ساحلی است. در این میان، قدرتهای فرامنطقه‌ای نظیر آمریکا، انگلستان و استرالیا نیز نسبت به تحولات این منطقه حساس بوده و حتی اقدام به برگزاری رزمایشهای مشترک نظامی با برخی کشورهای ساحلی کرده‌اند. دخالت نیروهای فرامنطقه‌ای در تنشهای دریای جنوبی چین باعث تشدید مسئله شده و پیچیدگی‌های بسیاری را بر آن تحمیل کرده است.

بطور کلی، منافع چین در دریای جنوبی حفظ و بسط هژمونی و کنترل بر منابع انرژی این منطقه است و منافع آمریکا در به چالش کشیدن هژمونی چین از طریق حمایت از دیگر کشورهای منطقه است. این موارد باعث شده است منطقه به لحاظ ژئوپلتیک حساسیت بیشتری پیدا کند. در ادامه پژوهش، به اختصار به رهیافت ژئوپلتیک اشاره خواهد شد و سپس اهمیت ژئوپلتیک دریای جنوب چین بررسی می‌شود.

نقشه دریای جنوب چین



Source: Johnib.wprdress.com

### ۱) رهیافت ژئوپلتیک

تلاش برای کنترل بر منابع و تسلط جغرافیایی بر حوزه های پیرامونی همواره یکی از دغدغه های اصلی حکومتها در طول تاریخ بوده است. اهمیت این مسئله برای امنیت کشورها گاهی تا آنجا پیش می رود که حیات و موجودیت آنها می تواند بستگی تام به یک منبع طبیعی نظیر نفت، آب یک رودخانه و یا یک مسیر ارتباطی داشته باشد. با این حال کشورها در سطوح مختلف، وابستگیهای متفاوتی نسبت به منابع و موقعیت های جغرافیایی دارند. از سوی دیگر، از آنجا که سرزمین یکی از مهمترین مؤلفه های دولت-ملت‌های مدرن است هیچ دولتی به آسانی دست از سرزمین های خود هرچند فاقد منابع یا کارایی استراتژیک برای آن باشند نمی کشد و تلاش برای حفظ سرزمین یکی از کارویژه های اساسی دولت- ملت‌های مدرن است. ژئوپلتیک بر همین دیدگاه واقع بینانه به سیاست بین الملل دلالت دارد و تأکید خاصی بر نقش قلمرو و منابع در شکل دهی به وضعیت کشور دارد. این دانش قوانینی را درباره سیاست بین الملل وضع کرد که مبتنی بر واقعیت های جغرافیایی همچون وضعیت قاره ها و اقیانوس ها و تقسیم کشورها بود (دادس، ۱۳۹۰: ۳۸).

ژئوپلتیک بعنوان «دانش رقابت و گسترش حوزه نفوذ» دولت‌ها و گروه‌های متشکل سیاسی در صدد کسب قدرت و تصرف ابزارها و اهرم‌ها و فرصت‌های جغرافیایی هستند که به آنها قدرت داده و امکان چیره شدن بر رقیب را می‌دهد آنها برای تصرف فرصت‌ها و مقدرات در مکان و فضاهای جغرافیایی به رقابت پرداخته و سعی می‌کنند نفوذ خود را در فضاهای جغرافیایی، بیشتر توسعه داده و آنها را به قلمرو اعمال اراده خود بیفزایند و برعکس رقبا را از فضاهای مورد منازعه بیرون برانند (حافظ نیا، ۱۳۸۵: ۱۷)

در تعریفی دیگر، ژئوپلتیک عبارت است از «مطالعه روابط همکاری یا رقابت میان قدرت‌ها بر اساس امکاناتی که محیط جغرافیایی در اختیار می‌گذارد یا امکاناتی که در این راستا می‌توان از محیط جغرافیایی گرفت». همچنین، «ژئوپلتیک به معنای هنر ایجاد موازنه قدرتی با رقیبان در سطوح منطقه‌ای و جهانی است» (مجتهدزاده، ۱۳۸۱: ۲۱). برخی دیگر ژئوپلتیک را رابطه بین اوضاع جغرافیایی و سیاست خارجی کشورها می‌دانند و معتقدند ژئوپلتیک مطالعه آثار و نتایجی است که عوامل جغرافیایی طبیعی و سیاسی یک کشور می‌دانند (الهی، ۱۳۸۴: ۱۷). با این تعاریف متوجه می‌شویم که در مناطقی مانند دریای جنوبی چین که دارای ظرفیت‌های ژئوپلتیک بسیاری است نحوه بازی کشورها بصورتی است که هرکدام سعی دارند نفوذ خود را افزایش داده و رقبا را از فضای مورد منازعه بیرون برانند. بعنوان مثال، چین کوشیده است با بهره‌گیری از ظرفیت ژئوپلتیک منطقه و با احداث خطوط لوله نفت از روسیه و آسیای مرکزی، آسیب‌پذیری خود را در مقابل خطر قطع جریان نفت از طریق کشتیرانی از تنگه استراتژیک مالاکا و منطقه خلیج فارس کاهش دهد (موسوی و خدایی، ۱۳۹۵: ۷۰). همچنین، روابط همکاری کشورهای عضو آسه‌آن با قدرتهای خارجی چون آمریکا و رقابت میان آنها با چین در این منطقه را نیز می‌توان با توجه به محیط جغرافیایی و با یک رویکرد ژئوپلتیک محور مورد مطالعه قرار داد. در ادامه، برای درک اهمیت دریای جنوب چین و بحران ناشی از آن، موقعیت و اهمیت ژئوپلتیک، ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک این منطقه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

## ۲) بررسی موقعیت ژئوپلتیک، ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک<sup>۱</sup> دریای جنوب چین

منطقه آسیای پاسیفیک از مناطق مهم در سطح جهانی بشمار می‌آید. در این منطقه، دریای جنوب چین<sup>۱</sup> از جمله حوزه‌های اختلاف میان کشورهای پیرامونی است. اهمیت ژئوپلتیک این منطقه در این است که بعد از پنج اقیانوس جهان، دریای جنوب چین بزرگ‌ترین ناحیه دریایی جهانی است که صدها جزیره را شامل می‌شود. به بیانی، این دریا شریان مسیر دریایی جهان و مسیر حمل و نقل دریایی

<sup>۱</sup>. Geopolitic, Geostrategic, Geoeconomic

<sup>۱</sup>. South China Sea(SCS)

بسیاری از کشورها از جمله ژاپن، کره جنوبی و چین محسوب می‌گردند (خضری، ۱۳۹۱: ۷۱-۷۰). به تعبیری دریای جنوبی چین به مراتب بعنوان محل امنیت حمل و نقل انرژی مهم تر از خود منابع انرژی محسوب می‌شود (Richrad Q. Turcsanyi, 2018: 33).

موقعیت جغرافیایی دریای جنوبی چین به صورت دریایی حاشیه‌ای است، یعنی بخشی از اقیانوس آرام به شمار می‌آید و ناحیه‌ای در حدود ۳ و نیم میلیون کیلومتر مربع از سنگاپور تا تنگه تایوان را در بر می‌گیرد. جزیره‌های واقع در دریای جنوبی چین که با هم یک مجمع‌الجزایر را تشکیل می‌دهند، بالغ بر صدها جزیره می‌باشند. خود دریای جنوبی چین و این جزیره‌ها که عمدتاً خالی از سکنه هستند، مورد جدال کشورهای مختلف بوده‌اند. به همین علت، حتی نام‌های متفاوتی برای اشاره به این دریا بکار می‌رود که البته «دریای جنوبی چین» نام پذیرفته شده بین‌المللی آن است (McDowell, 2011). اهمیت ژئوپلیتیک این حوزه دریایی تنها مربوط به احاطه شدن این دریا توسط کشورهای بزرگ اقتصادی نظیر سنگاپور، تایوان و قدرت نوظهوری چون چین و قرار گرفتن آن در منطقه آسیای پاسیفیک بعنوان ثقل مرکز اقتصاد جهانی و بعنوان یکی از مهم‌ترین مسیرهای نقل و انتقالات کالاها و تجارت بین‌المللی دریایی، نیست. بلکه منازعات شکل گرفته و رو به افزایش میان بازیگران درونی این منطقه و حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای در آن و احتمال گسترش این بحران از جمله علل رو به رشد اهمیت ژئوپلیتیک آن محسوب می‌شود.

زمانی که پایگاه نظامی و یا رشد و توسعه اقتصادی و نظامی یک کشور به سرعت و جلوتر از بقیه کشورها در منطقه‌ای ایجاد می‌شود، در آن شرایط معادله قدرت نیز تغییر خواهد کرد. هرگونه عملیات نظامی و افزایش قدرت نامتوازن اقتصادی یک بازیگر نسبت به دیگر بازیگران را می‌توان زمینه‌ساز دگرگونی ژئوپلیتیک دانست (مصلی نژاد، ۱۳۹۰: ۱۳۳). دریای جنوب چین مثالی در این زمینه است. حمله نظامی احتمالی کشورهای مدعی دریای جنوب چین علیه یکدیگر منجر به تغییر موازنه قدرت منطقه‌ای خواهد شد، بدین لحاظ، هر کدام از طرفین بخصوص برخی کشورهای مدعی جنوب شرق آسیا در تلاش برای اتحاد با کشورهای قدرتمند و ایجاد توازنی از قدرت در برابر چین هستند. علت اصلی نگرانی کشورهای فرامنطقه‌ای و دخالت و حمایت برخی از آن‌ها را می‌توان، ترس از افزایش قدرت رو به رشد اقتصادی و نظامی چین در نظام امنیت منطقه و تغییر توازن قدرت منطقه آسیای پاسیفیک و بخصوص حوزه دریای جنوب چین دانست.

منطقه دریای جنوب چین به لحاظ امنیتی، ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک نیز حائز اهمیت است. از سال ۱۹۷۰ میلادی، زمانی که اهمیت استراتژیک دریای جنوب چین باعث جلب نظر کشورهای آسیای شرقی خصوصاً چهار مدعی اصلی یعنی چین، مالزی، فیلیپین و ویتنام شد،

رقابت برای تسلط بر جزایر این منطقه گسترش یافت. با این حال، همسایگان این دریا همچنان نشست هایی را در رابطه با همکاری تشکیل می دهند (Smith, 2014:3).

از بعد اقتصادی و تجارت، این دریا حدود ۱۰ درصد شیلات سالانه جهانی را به خود اختصاص داده است و به همین دلیل برای صنعت ماهیگیری کشورهای مجاور بسیار مهم است. این منطقه در زمینه نفت و گاز طبیعی نیز غنی و قابل توجه است. وجود تنش میان کشورهای مجاور، باعث شده اکثریت برآوردهای ذخایر هیدروکربن در مناطقی مانند جزایر اسپراتلی اثبات نشده باقی بماند. دریای جنوبی چین موقعیت ژئواستراتژیک قابل توجهی نیز در زمینه حمل و نقل بین‌المللی دارد. اکثریت محموله های انرژی و مواد خام که از تنگه مالاکا می‌گذرند، در ادامه از طریق دریای جنوبی چین به کشورهای منطقه از جمله چین و ژاپن می‌روند.

تنگه مالاکا<sup>۳</sup> یا مالاکا نام آبراهی در میان سوماترا و شبه جزیره مالایاست که دریای آندامان در اقیانوس هند را به دریای چین جنوبی در اقیانوس آرام متصل می‌کند (پایگاه خبری تحلیلی نبض نفت: ۱۳۹۹). تنگه مالاکا با قرار گرفتن در نقطه مرکزی دریای جنوب چین درست در کنار بیشترین حجم تجارت، یک موقعیت استراتژیک مهم برای چین محسوب می‌شود. همچنین، این نقطه دومین محلی است که توسط چین در دریای جنوبی چین کنترل می‌شود (Richrad Q. Turcsanyi, 2018:51) و به لحاظ ژئواکونومیک و ژئواستراتژیک اهمیتی فراوان برای کشورهای ذینفع در منطقه بخصوص چین دارد. طبق اعلام انجمن اطلاعات انرژی، در سال ۲۰۱۱ حدود ۱۵ میلیون بشکه در روز یا یک سوم از نفت جهان از تنگه مالاکا عبور می‌کند و پس از تنگه هرمز در رتبه دوم قرار دارد (Richrad Q. Turcsanyi, 2018:82). بدین لحاظ، نیروی دریایی ارتش آزادی بخش خلق چین، اهمیت استراتژیک این دریا را به رسمیت شناخته و گام‌هایی را برای تقویت قابلیت‌های خود در منطقه برداشته است. همچنین، ایالات متحده نیز علاقه‌مند به حفاظت از راه‌های دریایی این منطقه است تا این منطقه را به صورت مسیر آزاد دریایی - تجاری بین‌المللی در آورد (Asia Report, 2012:1).

### ۳) ادعاهای مطرح شده و مبنای ژئوپلیتیک آن

مناقشات دریای جنوب شامل سه مورد می‌باشد: (۱) مناقشه بر سر جزایر و صخره‌ها، (۲) مناقشه بر سر حق حاکمیت بر قلمرو آبی از جمله مرزبندی مناطق انحصاری اقتصادی و فلات قاره، (۳) مسأله حق کشتیرانی آزاد که از سوی قدرت‌های غیرمنطقه ای نظیر آمریکا مطرح شده است. دو موضوع اول و دوم یک مسأله منطقه ای می‌باشد و به چین و کشورهای همسایه مرتبط است و

<sup>3</sup>. Strait of Malacca



موضوع سوم موضوعی است که قدرت‌های فرامنطقه ای را نیز درگیر می‌کند. شیوه ترسیم خطوط دریایی ادعایی توسط چین که تا نزدیکی سنگاپور و مالزی هم می‌رود موجب شده تمامی کشورهایی که با دریای جنوبی چین در تماس هستند در مقابل چین قرار گیرند و در نتیجه وابسته به حمایت‌های سیاسی و نظامی آمریکا گردند. این ادعاها طی سال‌های آتی به دلیل درخواست آسیا برای انرژی در آینده افزایش چشمگیری خواهد داشت و در نتیجه این دریا در مرکز تضمین رشد اقتصادی منطقه قرار خواهد گرفت (خضری، ۱۳۹۱: ۷۵۲ و ۷۴۵).

بطور کلی، دلایل اصلی برای ادعاها مطرح شده از سوی قدرت‌های درگیر در این منطقه را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

۱- نفت بالقوه و منابع معدنی نظیر قلع و گاز طبیعی. بر مبنای برآوردهای موجود، ذخایر قابل توجهی از گاز و نفت در آن وجود دارد. خوش‌بینانه‌ترین برآورد از این ذخایر را چینی‌ها انجام داده‌اند که معتقدند ۲۱۳ میلیارد بشکه نفت در این مناطق موجود است. در حالی که بر مبنای آماری که اداره اطلاعات انرژی آمریکا ارائه داده است، ذخایر نفتی موجود در این منطقه حداکثر ۲۸ میلیارد بشکه برآورد شده است. اما بر مبنای آمارهایی که آژانس بین‌المللی انرژی ارائه کرده، ذخایر واقعی این منطقه نه تنها نفت، بلکه گاز است و بر مبنای آمارهای ارائه شده از سوی این نهاد، حدود ۲۵ تریلیون مترمکعب تخمین زده می‌شود که در مقام مقایسه، به اندازه ذخایر گازی قطر است (Shawoluddin, 2002: 137-138).

۲- منابع سرشار دریایی که باعث رشد و پیشرفت صنعت ماهیگیری برای کشورهای ساحلی می‌گردد. کشورهای اطراف دریای چین جنوبی، عمدتاً کشورهای پرجمعیتی هستند. در واقع، این منطقه یکی از کانون‌های مهم جمعیتی جهان بشمار می‌آید. بنابراین، بخشی از امنیت غذایی این منطقه، به دریا و ماهیگیری وابسته است.

۳- قابلیت جزایر این دریا مانند اسپراتلی بعنوان یک پایگاه استراتژیک بالقوه برای دفاع از خود از طریق دریا و نظارت بر دریا.

۴- تلاش قدرت‌های مدعی برای دسترسی به خطوط دریایی این منطقه در جهت تجارت و حمل و نقل نظامی.

۵- واقع شدن این منطقه در **طول مسیر غرب و شرق** و به خطر افتادن امنیت کشورهای اطراف در صورت درگیری (Beckman, 2012: 2). در ادامه، به بررسی ادعاهای بازیگر اصلی این منطقه مورد منازعه می‌پردازیم.

**چین:** چین قدرت غالب در منطقه است، زیرا بیش از دیگر قدرت‌های منطقه آسیای پاسیفیک از توان نظامی و اقتصادی بالایی برخوردار است. از سویی دیگر بحث تمامیت و حاکمیت ارضی از اهداف مهم سیاست خارجی این کشور محسوب می‌شود؛ چراکه کشور چین در گذشته (قبل از رشد و توسعه اقتصادی) اغلب در اختلافات سرزمینی بازنده بوده است. بنابراین، یکی از منافع چینی‌ها به دست آوردن یا حفظ پرستیژ خود بعنوان قدرت منطقه ای است. موقعیت کلی چین، این کشور را بر آن می‌دارد که اهدافش را در جهت حفظ حاکمیت سرزمینی اش علیه خارجی‌ها و تهدیدات داخلی در آسیا و اطراف آن تنظیم کند (Ba, 2011: 3). همچنین، نیاز روزافزون این کشور به انرژی و ناکافی بودن منابع انرژی داخلی، موجب شده تا کسب و افزایش امنیت انرژی برای این کشور به امری اساسی تبدیل گردد. مجموع این عوامل و نیازها موجبات تنش میان این کشور و همسایگان زمینی و دریاییش را فراهم آورده است. بطوری که بارها بر سر این اختلافات، منطقه آسیای پاسیفیک شاهد کشمکش و ناامنی میان بازیگران منطقه ای بوده است.

آنتونی کوردزمن معتقد است چین به وضوح در حال سربرآوردن بعنوان یک قدرت جهانی بزرگ است و وابستگی اش به نفت وارداتی و جریان امن تجارت، این کشور را به این سو رهنمون کرده که در جستجوی راههای امن تری برای انتقال انرژی و کالاها از طریق پاکستان، میانمار و دریای جنوبی چین باشد (باقی، ۱۳۹۸: ۶۳).

چین در اختلافات سرزمینی نه تنها در دریای چین شرقی بلکه در دریای جنوب چین بخصوص بر سر جزایر اسپرانتلی و پاراسل، با کشورهای همسایه مانند ویتنام و فیلیپین درگیر شده است. تنش‌ها با ویتنام با حوادثی نظیر تصرف قایق ماهیگیری ویتنامی توسط چین و مداخله در اکتشاف نفت تشدید شده است. چین با کمک اقتصاد خود، در حال افزایش قدرت دریایی و هوایی از طریق زیردریایی‌ها و هواپیماهای جنگنده می‌باشد. این کشور برای مدرنیزه کردن قدرت نظامی بر روی سلاح‌های ضد ماهواره ای، کشتی‌های جنگنده و سلاح‌های دیگر کار می‌کند. با این وجود، قدرت نظامی چین و اهداف اصلی آن فاقد شفافیت است. بطوری که ظهور چین بعنوان یک قدرت نظامی و مدعی تسلط بر یکی از مهمترین مناطق ژئوپلیتیک دنیا، نه تنها

در ژاپن و آمریکا بلکه در دیگر کشورهای آسیایی پیرامون چین نگرانی‌ها را تشدید کرده است (Jimbo, 2011: 54-55)

چین تنها کشوری است که بطور مستقیم در مناقشه بر سر جزایر اسپراتلی درگیر است و آن جزایر را به نام نانشا<sup>۴</sup> می‌خواند. مدت زمان طولانیست که چین این منطقه را بعنوان مرز جنوبی در نظر گرفته است. ادعای پکن بر مبنای قدمت ۲۱۰۰ ساله ای است که از طریق سوابق تاریخی از جمله نقشه‌ها و شواهد شهرک‌های اولیه چینی پشتیبانی می‌شود. به غیر از این واقعیت تاریخی، تیم هوکسلی<sup>۵</sup> اظهار داشته است که دلایل و ادعاهای چین عبارتند از: میل به تحکیم مرزهای چین مدرن از طریق گسترش مرزها و کنترل بر مناطق سنتی که بعنوان چین در نظر گرفته شده است، نیاز به حفظ منابع مهم از جمله نفت و گاز طبیعی و اهمیت راهبردی دریایی این منطقه جهت دفاع از خود در برابر رفتارهای خصمانه کشورهای مانند ژاپن (Shawoluddin, 2002: 142). چینی‌ها همچنین ادعای حضور نیروی دریایی خود در جزایر اسپراتلی توسط سلسله هان و سلسله مینگ در سال‌های ۱۴۳۳-۱۴۰۳ را دارند و با استناد به شواهد باستان شناسی و پیشینه تجارت و ماهیگیری در این مناطق بر ادعای خود پافشاری می‌کنند (Singh, 2011: 2).

پکن ادعا می‌کند که در نقشه‌ای که در سال ۱۹۴۷ تحت نظر مائو زدونگ بصورت ۹ خط تیره و به شکل خطوط U کشیده شده است ادعای سرزمینی چینی‌ها مشخص شده و به خطوط ساحلی دولت‌های کوچک‌تر آسیای جنوب شرقی شامل ۴ مدعی آ.سه. آن نزدیک است. با وجود ادعاهای بیان شده، پکن هیچیک از این جزایر را در اشغال خود نداشته است، در حالیکه مالزی، ویتنام و فیلیپین برخی جزایر را در تصرف دارند (Lam, 2014: 3). با این وجود چین به دلیل اهمیت استراتژیک، وجود منابع نفت و گاز طبیعی و تمایل این کشور به تحکیم مرزهای چین جدید، اصرار بر اعمال حاکمیت بر این جزایر را دارد. چین مدعی است که آب‌های دریای چین جنوبی بخشی از آب‌های سرزمین اصلی چین می‌باشد. طبق این رویکرد، قانونی در مجلس چین به امضا رسید که به نیروی دریایی چین این اجازه را می‌داد که به هر اقدامی برای جلوگیری از ورود و عبور کشتی‌های غیرمجاز در این ناحیه دست بزنند. پکن در پی ارباب رقباي خود در جهت توقف اکتشافات نفت و معدن در منطقه نیز می‌باشد که این امر نیز تنش در منطقه را بیشتر کرده است.

یکی از مواردی که نشان می‌دهد چین در این منطقه بیش از پیش در حال پیشروی است، استقرار بمب افکن‌های نیروی هوایی چین در جزایر مورد مناقشه در تاریخ ۱۹ مه ۲۰۱۸ می

4. Nansha

5. Tim Huxley

باشد. در بیانیه ای که از سوی نیروی هوایی ارتش آزادی بخش خلق چین در زمان استقرار صادر شد، آمده بود: «یک واحد از نیروی هوایی ارتش چین بمنظور تمرین نظامی، چندین مدل بمب افکن از جمله H-6K را در جزایر جنوب چین مستقر کرده و در حال اجرای تمرین فرود و برخاست است. این رزمایش نظامی در جهت تقویت قابلیت نیروی ارتش برای پوشش کل منطقه و اجرای حمله در هر زمان و در تمامی مسیرهاست» (euronews, 2018).

چین علاقه زیادی دارد که اختلافاتش را در دریای جنوب چین به صورت دوجانبه با دیگر مدعیان حل کند، چرا که از دیدگاه پکن، دیپلماسی چند جانبه و مطرح شدن این مسأله در مذاکرات جهانی، سطح مذاکره ای نامناسب برای حل این اختلاف می باشد و این روش، دخالت دیگر کشورها را در این مسأله به دنبال خواهد داشت. پکن بعنوان قدرت منطقه ای و بعنوان قدرت اقتصادی جدید، اعتماد کشورها را در سیاست خارجی کسب نموده و ترسی از انعطاف داشتن و تغییر در سیاست منطقه ای خود ندارد. چین معتقد است گذر زمان به نفع این کشور است، بنابراین اصراری برای حل و فصل سریع مسأله دریای جنوب ندارد. در صورت بالا رفتن هر چه بیشتر تنش ها، چین دو گزینه پیش رو دارد؛ اولین راه حل، از طریق رژیم قانونی بین المللی و دومین راه حل، استفاده از نیروهای نظامی برای ترساندن یا تحت فشار قرار دادن دولت های مدعی است. دانشگاهیان امکان استفاده از اولین گزینه پیشنهادی را ضعیف خوانده اند. دومین گزینه نیز خطرناک و در عین حال پرهزینه است (Lam, 2006:5). چین در تلاش است نقش پلیس خوب را به وسیله موقعیت و جذابیت اقتصادی خود برای چند عضو دیگر آسه. آن به نمایش بگذارد. به این معنا که با ارائه امتیازاتی طبق نیازمندی کشورها، جذابیت توافقات دوجانبه را برای کشورهای مقابل بالا ببرد. این استراتژی مزایای زیادی برای چین دارد، چرا که از طریق آن می تواند مدعیان دیگر را از گرد هم جدا نماید و همچنین فاصله قدرت بین خود و دولت های مقابل در مذاکره را افزایش دهد و از این طریق ائتلاف و اتحادی که در جهت مهار و توازن قدرت در برابرش ایجاد می شود را مهار کند. با این وجود، اعمال اخیر در دریای چین جنوبی نشان می دهد که چینی ها در حال برنامه ریزی تجدیدنظرطلبانه ای در منطقه هستند و در تلاش برای تغییر وضع موجود در این نقطه از جهان می باشند.

**واکنش کشورهای جنوب شرق آسیا نسبت به ادعاهای چین:** شیوه ترسیم خطوط دریایی ادعایی توسط چین که تا نزدیکی سنگاپور و مالزی هم می رود موجب شده تا همه کشورهایی که با دریای جنوبی چین در تماس هستند در مقابل چین قرار گیرند و به دنبال آن،

وابسته به حمایت‌های سیاسی و نظامی کشورهای فرامنطقه ای نظیر آمریکا گردند (خضری، ۱۳۹۱: ۷۲). علاوه بر این، به دلیل ساحلی بودن اکثر کشورهای آ.سه.آن و نبود مرز زمینی بین آن‌ها، بیشتر تجارت درون منطقه ای از طریق راه های آبی صورت می‌گیرد و همین امر توجه بیشتر کشورهای مدعی جنوب شرق آسیا به دریای جنوب چین را بدنبال داشته است. در واکنش به اقدامات چین، دیگر کشورهای مدعی در پی به چالش کشیدن ادعاهای چین برآمدند. این مسأله در چارچوب آ.سه.آن و با تشویق بازیگران خارج از منطقه و بطور خاص ایالات متحده صورت گرفته است. از سویی اروپا و ژاپن هم از بعد سیاسی، در این مسأله درگیر شدند. از جمله این واکنش‌ها می‌توان گفت، در سال ۲۰۱۰ ویتنام توانست از موقعیت ریاست آ.سه.آن استفاده کند و موضوع دریای جنوب چین را در دستور کار سازمان قرار دهد. با تشویق هانوی، وزیر امور خارجه وقت آمریکا هیلاری کلینتون، موقعیت دریای جنوب چین را بعنوان یکی از موضوعات اصلی در ماه ژوئیه ۲۰۱۰ در مجمع منطقه ای آ.سه.آن<sup>۶</sup> قرار داد و این مسأله را با توجه به اینکه آزادی ناوبری در دریای جنوب چین حق تمام کشورها و از جمله در جهت منافع ملی است گسترده تر ساخت. چرا که آمریکا مایل به تسهیل تجارت و همکاری در این منطقه است (Asia Report, 2012:7). با گذشت زمان بودجه های نظامی نیز در این منطقه افزایش یافته و کشورهای جنوب شرق آسیا نمی‌توانند همگام با چین مدرن سازی ارتش را انجام دهند. چین از سال ۲۰۰۸ با کنترل حدود ۱۰ درصد تورم، به رشد خود ادامه می‌دهد. در همین حال، استان‌های اقتصادی چین آمادگی رقابت و برابری با هر کشوری در آسیای جنوب شرقی را دارند. اگرچه سیاست‌های چین در قبال همسایگان در ابعاد سیاسی و اقتصادی منافع شرکای خود را در بر خواهد داشت، با این حال آسیای جنوب شرقی بطور فزاینده ای نگران است در معرض تهدیدات از سوی چین قرار گیرد (Womack, 2011:377). در ادامه، به نقش آفرینی برخی از بازیگران منطقه ای در صحنه منازعه دریای جنوبی چین اشاره خواهد شد.

**ویتنام:** از مهم‌ترین اعضای آ.سه.آن مخالف اعمال چین در دریای جنوبی، ویتنام است. این کشور تلاش‌های زیادی را برای اتحاد با دیگر مدعیان علیه چین انجام داده است. ویتنام از لحاظ جغرافیایی نسبت به دیگر اعضای آ.سه.آن به چین نزدیک‌تر است و با آن مرزهای مشترک دارد. بنابراین، ویتنام بیشترین منازعه را با چین داشته و دارد (The Economic, 2013). در برخوردی

<sup>۶</sup>. ASEAN Regional Forum (ARF)

که در سال ۱۹۴۷ در جزایر پاراسل بین چین و ویتنام اتفاق افتاد، بیش از ۷۰ سرباز ویتنامی کشته شدند. در سال ۱۹۸۸ نیز در درگیری‌های شدید میان دو کشور، ۶۰ سرباز ویتنامی کشته شدند (BBC, 2013).

در دسامبر ۲۰۰۹ ویتنام اعلام کرد که شش فروند زیر دریایی (پروژه ۶۳۶) از نوع کیلو کلاس زیردریایی‌ها و دوازده فروند جت جنگنده SU-30MKK را از روسیه خریداری کرده است، معامله زیر دریایی‌ها ۲ میلیارد دلار تخمین زده شده است و به ویتنام توانایی جدیدی می‌دهد که پیش از آن هرگز نداشته است. جنگنده‌های سوخوی با یک برچسب قیمت ۶۰۰ میلیون دلار باعث افزایش قدرت هوایی ویتنام شده و از ۸ فروند SU-27 و SU-30MKK به بیست عدد رسیده‌اند (Buszynski, 2010: 93-94). در ۹ سپتامبر ۲۰۱۴، ویتنام کشور چین را به بازداشت و مورد ضرب و شتم قرار دادن دو نفر از ماهیگیران ویتنامی متهم کرده است. چین ادعا کرد که این دو نفر با مواد منفجره به صورت غیرقانونی ماهیگیری می‌کردند و در حالیکه ویتنام خواستار جبران خسارت برای ماهیگیران بود، چین اذعان داشت که این عمل برای پایان دادن به فعالیت‌های ماهیگیری غیرقانونی و ناموجه بوده است (Dicke & Holbig, 2014: 2). همچنین، در می ۲۰۱۴ چین شروع به حفاری نفت در نزدیکی جزایر پاراسل نمود؛ این منطقه توسط هر دو کشور ویتنام و چین بعنوان آب‌های سرزمینی قلمداد می‌گردد که منجر به تنش‌ها و اقدامات خشونت آمیز قابل توجهی علیه شرکت‌های چینی در ویتنام شد (Dicke & Holbig, 2014: 1).

جزایر تونگ سا (اسپراتلی) مجاور غرب فیلیپین، از شرق به ویتنام، از جنوب به چین و تایوان و از شمال غرب به مالزی نزدیک می‌باشد. علاوه بر ویتنام، چین و تایوان ادعای حاکمیت بر مجمع الجزایر تونگ سا و آب‌های اطراف آن را دارند (McDorman, 1993). گرچه ویتنام کل منطقه تونگ سا را بعنوان قسمتی از سرزمین ملی خود در نظر گرفته است دیگر کشورها از طریق اشغال مناطقی از این مجمع الجزایر ادعاهای خود را پیگیری می‌کنند؛ بطوری که از سال ۱۹۸۸ چین حدود ۹ صخره دریایی را اشغال نموده است (Joyner, 1998).

نقشه جزایر اسپراتلی و پاراسل



Source: China\_conflict.jpg

**فیلیپین:** فیلیپین نیز از مدعیان دیگر این منطقه است که بطور مشابه جزایر مورد ادعای خود را اشغال کرده است که پاسخ و واکنشی به حرکت کشورهای همسایه بوده است (Buszynski, 2010:86). فیلیپین ادعای حاکمیت بر جزایر اسپراتلی بر مبنای مجاورت جغرافیایی را دارد. بطور مثال، تپه اسکاربورو یکی از جزایری است که حدود ۱۰۰ مایل از خطوط ساحلی فیلیپین فاصله داشته و مورد تنش می‌باشد (BBC, 2013). فیلیپین در تلاش است اعضای آ.سه. آن اختلافات میان خودشان را کنار بگذارند و برای فشار به پکن یک جبهه متحد را تشکیل بدهند و همچنین برای پشتیبانی از آ.سه. آن، واشنگتن را به ایفای نقش کلیدی در تقویت ظرفیت نظامی فیلیپین تشویق کند. در ماه ژانویه ۲۰۱۲، مانیل اعلام کرد که این احتمال وجود دارد تا به ارتش ایالات متحده برای تأمین، تعمیرات و سوخت کشتی‌های خود اجازه دسترسی بیشتری را به قلمرو خود بدهد. برغم مخالفت چین، دو کشور ویتنام و فیلیپین فعالانه بدنال جلب حمایت از خارج بخصوص کشورهایی نظیر هند، ژاپن و کره جنوبی نیز هستند (Asia Report, 2012:7) تا بتوانند جهت تعادل در برابر قدرت طلبی پکن در منطقه عمل کنند.

کشورهایی مانند فیلیپین که سرزمین اصلی آن‌ها به بخشی از این جزایر (اسپراتلی) بسیار نزدیک است، معتقدند در چند قرن اخیر، فیلیپین بر بخش عظیمی از این سواحل حاکم بوده و سوابق تاریخی در مورد تعلق این جزایر به چین وجود ندارد. با این ادعا، چین به مهم‌ترین طرف این



اختلافات تبدیل شده است. از دیگر سو، فیلیپین نیز که در جوار این مجمع الجزایر قرار دارد، ادعاهای وسیعی را مطرح کرده و خطی را ترسیم نموده است که بخش مهمی از جزایر موجود را در برمی‌گیرد (شریعتی نیا، ۱۳۹۱:۱).

مبنای قانونی ادعای فیلیپین در مورد حاکمیت بر جزایر اسپرانتلی در ابتدا بر یک ادعای خصوصی استوار بود. این اظهار توسط کاپیتان توماس کلوما<sup>۷</sup> بود که بیان داشت در سال ۱۹۵۶ تعدادی از جزایر را کشف کرده و به نام جزایر کالایان (آزادی)<sup>۸</sup> نامیده است. از سال ۱۹۷۱ فیلیپین شش جزیره از جزایر اسپرانتلی را اشغال کرده و در سال ۱۹۷۸ دولت فیلیپین طبق صدور فرمان شماره ۱۵۹۹ ریاست جمهوری، تأسیس منطقه اقتصادی انحصاری فیلیپین به فاصله ۲۰۰ مایل از کشور را به صورت رسمی اعلام کرد (Castro, 2014: 31).

تنش‌ها در بهار ۲۰۱۱ هنگامی که کشتی نظارت دریایی چین<sup>۹</sup> با کشتی‌های گشت زنی فیلیپینی و ویتنامی درگیر شدند آغاز شد و در دوم مارس همان سال، دو فروند از کشتی‌های نظارت دریایی چین به اخراج یک کشتی فیلیپینی که به بررسی و مطالعات لرزه نگاری در "بانک رید" نزدیک به جزیره پالاولان فیلیپین مشغول بود، مبادرت کرد. حداقل پنج رویداد دیگر میان چین و کشتی‌های فیلیپینی پیش از ماه ژوئن ۲۰۱۱ اتفاق افتاد تا اینکه موجب شد آکینو رئیس جمهور فیلیپین<sup>۱۰</sup> ادعا کند: ما باید اجازه دهیم تا دنیا بداند که در حفاظت از آنچه که از آن ما است آماده هستیم (Asia Report, 2012: 5). در همین راستا، فیلیپین با یادآوری پیمان دفاعی دو جانبه سال ۱۹۵۱ با آمریکا، از این کشور درخواست حمایت و کمک برای مدرن کردن کشتی‌های خود کرده است (Lam, 2014: 7). ورود آمریکا به متن این اختلاف، معادلات را پیچیده تر نموده است. در گفت و شنودهای راهبردی دو طرفه فیلیپین و آمریکا در سال ۲۰۱۲ در واشنگتن، وزیر امور خارجه وقت فیلیپین آلبرت دل روزاریو<sup>۱۱</sup> در اظهاری بی سابقه اما صادقانه در مورد آسیب پذیری فیلیپین و ناامیدی و ناتوانی مطلق آن برای مقابله با چین قدرتمند در مورد اسکار بورو، (شمال جزایر اسپرانتلی مورد مناقشه در ۱۲۴ مایل دریایی از لوزون) و همچنین در منطقه انحصاری اقتصادی کشور سخن گفت. به گفته او: شنیدن این که رسانه های بین‌المللی، نیروهای مسلح دولت فیلیپین را ضعیف توصیف کنند بسیار دردناک است. اما دردناک‌تر این واقعیت است

7. Cloma

8. Freedom

9. China Marine Surveillance (CMS)

10. Aquino

11. Albert del Rosario



که چنین توصیفی درست است و ما خودمان را بدین خاطر سرزنش می‌کنیم. بنابراین ما برای دفاع از خود نیاز به حمایت داریم (Cruz De Castro, 2014:32).

**مالزی:** مالزی نیز از دیگر کشورهای درگیر در مسأله آب‌های دریای جنوب چین و جزایر واقع در آن محسوب می‌شود. مالزی بیش از یک میلیارد دلار برای خرید دو زیردریایی دیزلی از فرانسه هزینه کرده است. ادعای مالزی بر مبنای اصل حقوق فلات قاره<sup>12</sup> است. این کشور سه جزیره از جزایر اسپرآتلی را بعنوان منطقه فلات قاره به تصرف خود در آورده و در تلاش است با ایجاد یک جزیره مرجانی با آوردن خاک از سرزمین اصلی، ادعای خود را محکم‌تر نماید. برونتی نیز از دیگر بازیگران دخیل در این مسأله است که بخشی از این جزایر واقع شده در دریای هم‌جوارش را بعنوان بخشی از فلات قاره خود و طبق منطقه انحصاری اقتصادی که توسط کنوانسیون سازمان ملل در حقوق دریاهای<sup>13</sup> تعریف شده است از آن خود می‌داند. بنابراین، در سال ۱۹۸۴ این جزایر را جزو منطقه اقتصادی انحصاری لویی ریف<sup>14</sup> اعلام کرد (Singh, 2011:2-3). برونتی به علت کوچکی سرزمین خودش و وضعیت اقتصادی‌اش، در کنار موقعیتش بعنوان بازیگری به نسبت کمتر مدعی بر جزایر اسپرآتلی، بعنوان کشوری بی طرف دیده می‌شود که تأثیری بر تسلط اقتصادی چین در منطقه ندارد.

دریای جنوب چین در قرن ۲۱ میلادی تحت تأثیر عواملی مانند افزایش رشد و توسعه اقتصادی، سیاسی و نظامی کشور چین، اتحادها و ائتلاف‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و همچنین کشف منابع معدنی و انرژی در بستر و زیر بستر این دریا از نظر ژئوپلتیک و ژئواستراتژیک اهمیت زیادی یافته است و نفوذ هرچه بیشتر چین در منطقه از مهمترین عوامل تغییرات ژئوپلتیک در این منطقه بوده است. چراکه آنگونه که بیان شد، حضور و ادعای چین در دریای جنوب چین و ضعف و احساس نگرانی قدرتهای دیگر ساحلی در برابر چین، موجبات نزدیکی این کشورها به آمریکا را فراهم کرده است.

گزارش اخیر CSIS نتیجه می‌گیرد که تا سال ۲۰۳۰ چین احتمالاً چندین گروه ناو هواپیمابر تهاجمی (CSGs) carrier strike groups در کنار پرستیز منطقه‌ای بیشتر و حضوری تأثیرگذارتر

<sup>12</sup>. فلات قاره یا سکوی ساحلی شامل بستر و زیربستر، در ماورای دریای سرزمینی یک کشور ساحلی و در امتداد دامنه طبیعی قلمرو خشکی این کشور تا لبه بیرونی حاشیه قاره یا در مواردی که لبه بیرونی حاشیه قاره تا این مسافت ادامه نیافته باشد، تا مسافت ۲۰۰ مایل دریایی از خطوط مبدأ دریای سرزمینی است.

<sup>13</sup>. United Nations Convention on the Law of the Sea (UNCLOS)

<sup>14</sup>. Louisa Reef

را خواهد داشت که برای مدعیان رقیب در دریای جنوبی چین یک عامل تغییر بازی خواهد بود (باقی، ۱۳۹۸: ۱۱۸).

کشورهای آسیای جنوب شرقی به شدت با چین درگیر هستند و بدین لحاظ آمریکا در حال حاضر نمی‌تواند این منطقه را ترک کند. این دسته از کشورها امیدوارند آمریکا بیشتر در امور و مسائل آسیا دخالت کند تا با استفاده از آن بتوانند نگرانی خود از نفوذ چین در منطقه و دریای جنوب چین را برطرف سازند و این امر نیز حساسیت ژئوپلیتیک منطقه را دوچندان کرده است. برای آسیای جنوب شرقی، بدترین سناریو تبدیل دوباره منطقه به یک میدان جنگ برای قدرت‌های بزرگ خواهد بود و برای آمریکا بدترین حالت این است که در نهایت چین را با حالتی خصمانه در مقابل خود ببیند. بنابراین آسیای جنوب شرقی می‌تواند راهبرد و خط مقدمی برای آمریکا در جهت دسترسی و محدود کردن چین در ابعاد مختلف اقتصادی، نظامی و در یک کلام خیزش و رشد قدرت دریایی این قدرت نوظهور باشد (Womack, 2011: 381). در ادامه پژوهش، به بررسی نقش آفرینی مهمترین بازیگر خارجی یعنی آمریکا در منطقه می‌پردازیم.

#### کشورهای مدعی بر سر مجمع‌الجزایر اسپراتلی و پاراسل



Source: thelastcolumnist.com

**آمریکا:** دخالت و حضور بازیگران خارجی مختلف در مسأله دریای چین جنوبی قابل تأمل است. بازیگرانی که ادعایی بر جزایر مورد اختلاف ندارند و در سال‌های اخیر راه حل‌هایی مانند دیپلماسی و مذاکره را برای حل این اختلافات مطرح کرده‌اند. یکی از مهم‌ترین این بازیگران آمریکا می‌باشد. علاقه این کشور به جنوب شرق آسیا رو به گسترش است و این بیشتر به این علت است که آمریکا بدنبال مهار چین است. در آسیا، چین بعنوان تهدید خارجی اصلی برای واشنگتن قلمداد می‌گردد. با این حال، از سال ۱۹۶۸ به بعد تصور آمریکا از جنوب شرق آسیا بطور چشمگیری تغییر نموده و این منطقه بلحاظ منافع آمریکا اهمیت روز افزون یافته است. این را می‌توان نتیجه هزینه‌های رو به رشد اقتصادی و دخالت در ویتنام و حس رو به رشد سرخوردگی از سرانجام این جنگ مشاهده کرد (Shawoluddin, 2002: 138).

نگرانی و حساسیت ایالات متحده بطور غیرمستقیم با سیاست دریایی چین مرتبط است. این نگرانی از آنجا نشأت می‌گیرد که ایالات متحده معتقد است چین در حال به چالش کشیدن قوانین کلی پذیرفته شده حاکم بر آزادی دریاهای و دسترسی آزادانه به دریا است (Beckman, 2012: 2). منافع اقتصادی آمریکا در آسیای جنوب شرقی رو به افزایش است که بعنوان یکی از مناطق اقتصادی پویا در حال حاضر می‌باشد. اهمیت این منطقه برای آمریکا در آنست که بخش مهمی از خطوط تأمین کننده انرژی و اقتصاد آمریکا و اروپا از راه‌های دریایی آن می‌گذرد و همچنین معبر بسیار مهم جانشینی برای اعمال نفوذ آمریکا بر مناطق دیگر است که در واقع انتقال قدرت آمریکا را از سرزمین مادری به مناطق دیگر تسهیل می‌کند و بدون آن هرگونه جابجایی قدرت آمریکا در سطح جهان بسیار پرهزینه و ناممکن خواهد بود (طباطبایی و قیاسی، ۱۳۹۲: ۲۷۶).

لذا، همانطور که پکن به دنبال خنثی کردن حضور آمریکا در منطقه است، به نظر می‌رسد واشنگتن روز به روز به ایفای بازیگری در مناقشه این منطقه مشتاق‌تر می‌شود. در واقع، آمریکا همکاری‌های دریایی خود را با کشورهای منطقه به خصوص ویتنام و فیلیپین افزایش داده است. آمریکا و فیلیپین به تناوب و پیوسته تمرین‌ها و رزمایش مشترک نیروی دریایی خود را برگزار نمودند. در اقدامی دیگر آمریکا، استرالیا و ژاپن مانور سه جانبه نظامی را در سواحل برونئی در منطقه برگزار کردند. پکن معتقد است ایالات متحده، به اسپرانتلی از طریق ویتنام و فیلیپین چشم دوخته است. آنچه مشخص است اگر اختلافات ارضی مربوط به این منطقه با رضایت تمامی طرفین و دارندگان سهم دریایی (کشورهای ساحلی) حل و فصل نگردد، در آینده منجر به تنش جدید جهانی خواهد شد (Singh, 2011: 5). از تنش‌های دریایی میان چین و آمریکا می‌توان به

حادثه ۸ مارس ۲۰۰۹ اشاره کرد، زمانیکه پنج کشتی چینی کشتی USNS آمریکا را توقیف کردند. بر اساس اطلاعات جمع آوری شده پنتاگون، کشتی چینی هشدار داده بود که کمتر از یک روز این کشتی باید منطقه را ترک کند، در غیر این صورت عواقب آن را خواهد دید.

در واکنش به عملکرد یک جانبه چین، وزیر امور خارجه اسبق آمریکا، هیلاری کلینتون در ماه جولای ۲۰۱۰ در هانوی ادعای حاکمیت چین را بر ۱/۳ میلیون مربع مایل دریایی را رد کرد. او اظهار داشت که آمریکا دارای منافع ملی در این مناطق است و تصریح کرد آمریکا مخالف هرگونه استفاده از زور و اجبار از سوی هر یک طرفین مدعی می‌باشد (Singh, 2011:1). آمریکایی‌ها در مورد اختلافات در این منطقه، مدعی حقوقی تحت عنوان آب‌های بین‌المللی (اصل آزادی دریاها<sup>15</sup>) بوده‌اند و اصرار دارند که انجام عملیات‌های بی نقص روزمره در دریای جنوب چین مطابق با قوانین بین‌المللی است. آن‌ها اعلام کردند که کنوانسیون ملل متحد در مورد حقوق دریاها، اجازه فعالیت نظامی در مناطق انحصاری اقتصادی را داده است و چیزی که در این کنوانسیون منع ویژه ای برای آن‌ها باشد، وجود ندارد (Buszynski, 2010:92).

دولت اواما امیدوار بود اشتباه دولت بوش در غفلت از آسیای پاسیفیک را به دلیل اهمیت بیش از حد و تمرکز بر روی موضوع مبارزه با تروریسم و منطقه خاورمیانه جبران نماید. اواما معتقد بود با بازگشت به آسیا و فعال کردن سیاست آسیایی خود موفق شود امتیاز بزرگی را در سیاست خارجی آمریکا بنام خود کسب کند. در چارچوب این استراتژی، افزایش توان چین و تقویت و ارتقای جایگاه آن هرچند که به معنای قدرتمند شدن این کشور در صحنه جهانی است، به ضرورت به معنای تضعیف جایگاه و نفوذ آمریکا نیست. به همین جهت ایالات متحده روابط خود با چین را در چارچوب منطق حاصل جمع جبری صفر نگاه نمی‌کند و صعود چین را منطقی فرض می‌کند. این بدان معناست که واشنگتن حوزه نفوذ چین را پذیرفته و در صورت بروز اختلاف میان چین و کشورهای همسایه مانند ژاپن و یا کشورهای پیرامونی دریای جنوبی چین، سعی می‌کند در عین حفظ منافع کشورهای دوست، نیازهای استراتژیک و هم‌مونیک چین را هم مدنظر داشته باشد (خضری، ۱۳۹۲: ۵۷). با این دیدگاه، ایالات متحده می‌تواند در نقش میانجیگری در صورت فوران بحران در هر دو دریای شرق آسیا و دریای جنوب چین فعالیت کند. واشنگتن در این جریان نقش موازنه دهنده را ایفا می‌کند و گرایش خود را به سمت کفه سبک ترازو یعنی کشورهای جنوب شرق آسیا نشان داده است. در دوره ترامپ نیز استراتژی دولت آمریکا به

<sup>15</sup>. Freedom of the Seas

سمت مهار چین و متوازن سازی در قبال آن از طریق نزدیک شدن به مخالفان منطقه ای چین است. این مساله در عملکرد ترامپ در مدت ریاست جمهوری اش مشهود است. وی در زمان رقابت‌های انتخاباتی ریاست جمهوری ۲۰۱۶، پکن را به نظامی کردن بخش‌هایی از دریای جنوبی چین متهم کرده و همچنین گفته بود پکن با اتخاذ سیاست‌های تجاری ناعادلانه‌اش و دست‌کاری ارز به نفع خود، مانع از فعالیت تجاری آمریکا شده است. بنابراین بلافاصله پس از روی کار آمدن دولت دونالد ترامپ، یک فروند رزم‌ناو آمریکایی به آب‌های مورد مناقشه دریای جنوبی چین تحت کنترل پکن نزدیک شد و روابط دو کشور را بار دیگر با تنش همراه کرد (presstv, 2017). ورود ناو هواپیما بر آمریکایی کارل وینسون در سال ۲۰۱۶ به بندر ویتنام بعنوان یکی از رقبای چین در منطقه نیز در راستای اقدامات ضد چینی آمریکا به حساب می‌آید. در راستای این اقدامات دو ناوشکن متعلق به نیروی دریایی آمریکا نیز در تاریخ ۲۰۱۹/۰۲/۱۱ وارد دریای چین جنوبی که محل اختلاف پکن با کشورهای همسایه است، شدند. "کلای داش" سخنگوی ناوگان هفتم نیروی دریایی ایالات متحده در بیانیه ای اعلام کرد که این دو ناوشکن در چارچوب قانون "عبور آزاد" و با رعایت قوانین بین المللی در این آب‌ها حضور یافته اند و یک ماه قبل از آن نیز یک ناوشکن موشک انداز آمریکایی وارد آب‌های نزدیک مجمع الجزایر «شیشا» (پاراسل) شده بود که هر دو عمل با اعتراض وزارت امور خارجه چین مواجه شد (خبرگزاری آنا، ۲۰۱۹).

**رویکرد ژاپن:** ژاپن در شمار کشورهای واقع در حوزه دریای چین جنوبی و از مدعیان این دریا و منابع و جزایرش محسوب نمی‌شود اما تلاش برای ایفای نقش بیشتر در معادلات جهانی و دسترسی آزاد به خطوط دریایی، پای توکیو را هم به کشمکش‌های این منطقه باز کرده است. از آن جا که اقتصاد این کشور متکی به عبور آزاد از دریاهاست، بنابراین نسبت به اختلافات و بحران‌های دریایی منطقه آسیب پذیر است. تحریم نفتی ۱۹۷۴-۱۹۷۳ شاهدهی روشن از آسیب پذیری ژاپن به اختلال در نیاز مندی‌ها و تأسیسات نفتی خود است. توکیو بیش از هفتاد درصد از نفت خام خود را از خاورمیانه و دیگر منابع خود را از مسیر حمل و نقل دریای چین جنوبی عبور می‌دهد و این مسیر از مسیرهای اصلی عبور و مرور صادرات و واردات به این کشور محسوب می‌شود (Shawoluddin, 2002: 144).

ژاپن به خوبی از اهمیت استراتژیک این جزایر آگاه است. بنابراین، تسلط چین یا هر رقیب بالقوه خطرناکی بر این جزایر و معابر دریایی برای ژاپن بسیار نگران کننده و تهدیدزا خواهد بود. در نتیجه، از سیاست‌های آمریکا در دریای چین جنوبی و ایجاد تعادل میان چین و کشورهای جنوب شرق آسیا حمایت به عمل می‌آورد. هر چند که به صورت مستقیم خود را درگیر این مسأله نمی‌کند، بلکه از طریق خدمات رسانی به کشورهای درگیر و مستحکم کردن روابط خود با دیگر قدرت‌های مهم منطقه نظیر استرالیا، کفه توازن را به نفع کشورهای جنوب شرق آسیا متعادل می‌کند.

به غیر از نگرانی‌های امنیتی، ژاپن منافع اقتصادی زیادی در جزایر اسپرانتلی دارد. شرکت‌های نفتی ژاپن بدنبال جلب کشورهای نظیر ویتنام جهت امضای توافق نامه برای ایجاد میدان گازی بزرگ در بخش‌هایی از آب‌های این جزایر بوده‌اند. با این وجود، لام پنگ<sup>۱۶</sup> اشاره دارد که توکیو، چین را در موضوع جزایر اسپرانتلی قوی و قاطع‌تر می‌بیند. او اضافه می‌کند: هیچکدام از مسایل و مشکلات منطقه ای مانند ثبات در شبه جزیره کره، آزمایش‌های هسته ای چین، تنش در تنگه تایوان، توانایی تسلیحات هسته ای جنوب شرق آسیا و اثر بخشی سازمان‌های چندجانبه و جنگ در دریای چین جنوبی، بدون مدیریت و همکاری چین برطرف نخواهد شد (Shawoluddin, 2002: 145). ژاپن و چین در منطقه شرق آسیا دو رقیب برای تسلط قدرت محسوب می‌شوند. تلاش برای تبدیل شدن به بازیگری برجسته در منطقه آسیای پاسیفیک رقابت دو کشور را به نقاط دیگر منطقه نظیر جنوب شرق آسیا نیز کشانده است. ژاپن علناً امیدوار است چین هنجارهای اساسی حقوق جهان یعنی احترام به قانون، آزادی دریانوردی و رعایت حقوق بین‌الملل شامل کنوانسیون ملل متحد در مورد حقوق دریاها را پذیرا باشد و اختلافات بطور صلح آمیز و مطابق با حقوق بین‌الملل حل و فصل گردند (ژاپن تایمز، ۲۰۱۳).

حضور ژاپن در این منطقه از آسیای پاسیفیک با همکاری دیگر کشورها نظیر استرالیا مشهودتر گردیده است. ژاپن و استرالیا در اعلامیه مشترک در ماه مارس ۲۰۰۷ در رابطه با همکاری امنیتی ژاپن - استرالیا به توافقی رسیدند و قصد خود را برای ایجاد یک رابطه استراتژیک جامع اظهار داشتند. این بیانیه به افزایش هماهنگی در مورد مسائل امنیتی در آسیا - اقیانوسیه (پاسیفیک) و سایر مناطق بعنوان "منافع راهبردی مشترک" اشاره دارد که نشان می‌دهد چگونه مدل همکاری ژاپن - استرالیا در خارج از مرزهای دو کشور عملی است (Ken Jimbo, 2011: 55-54). چنین توافقات و مانورهای نظامی استرالیا و ژاپن در کنار آمریکا در اطراف

<sup>16</sup>. Lam Peng



دریای چین جنوبی جهت نمایش قدرت علیه چین قلمداد می‌شود. همچنین، ژاپن از مخالفان چین در این منطقه حمایت کرده است. تهیه قایق‌هایی برای گشت زنی در صخره‌های دریایی و جزایر در دریای چین جنوبی و تعهد کمک اقتصادی و همچنین تعهد اعطای وام به فیلیپین برای خرید قایق‌های گشت‌گارد ساحلی از جمله این حمایت‌ها می‌باشد (ژاپن تایمز، ۲۰۱۳). جیانگ یانگ استاد دانشگاه بین‌المللی تسینگ هوا در چین می‌گوید: به احتمال زیاد ژاپن از وی‌تنام و فیلیپین در به چالش کشیدن چین و بدتر کردن شرایط پشتیبانی خواهد کرد (ژاپن تایمز، ۲۰۱۴). همکاری ژاپن با آمریکا برای شرکت در عملیات گشت زنی بر فراز منطقه استراتژیک دریای چین جنوبی نشانه‌ای از آمادگی ژاپن برای ایفای نقش بیشتر در منطقه است. در اواخر ماه ژانویه ۲۰۱۵ نیز ژاپن و فیلیپین در رزمایشی مشترک پروازهایی را در نزدیکی حریم هوایی دریای چین جنوبی انجام دادند که هشدار پکن را بدنبال داشت. همکاری نظامی ژاپن با کشورهای نظیر فیلیپین و آمریکا در حالی صورت می‌گیرد که همچنان نشانی از رد پای دشمنی‌های دیرینه بین آن‌ها به چشم می‌خورد (خبرگزاری مهر، ۱۳۹۴).

از آخرین اقدامات ژاپن در این راستا نیز می‌توان به مانور دریایی ژاپن و آمریکا در دریای جنوبی چین، برغم مخالفت‌های پکن اشاره کرد. به نقل از رویترز، نیروی دریایی آمریکا از انجام مانور مشترک با ژاپن، هند و فیلیپین در دریای جنوبی چین که مورد ادعای حاکمیت پکن است، خبر داد. با اینکه در گذشته نیز مانورهای مشابهی در این منطقه صورت گرفته بود، اما این مانور مشترک میان چهار کشور نشان دهنده چالش تازه‌ای برای چین است که بتازگی نیز دونالد ترامپ تهدید کرده است تعرفه ۲۰۰ میلیارد دلار کالای چینی را افزایش می‌دهد. اندرو کلاگ، فرمانده و کاپیتان ناوشکن آمریکایی، در این خصوص گفت: «مشارکت حرفه‌ای با متحدان، همکاران و دوستانمان در منطقه فرصتی برای ماست تا حضورمان را در منطقه تقویت و روابط مستحکم تری ایجاد کنیم»

#### ۴) راهکارهای ارائه شده برای حل اختلاف

در راستای حل اختلافات، کشورهای درگیر تلاش داشته‌اند تا معاهداتی را میان خود منعقد نمایند. اولین معاهده در این منازعه در سال ۱۹۹۲ بوسیله ۵ عضو آ.سه.آ. (ASEAN Secretariat, 1992). در سال ۲۰۰۲ نیز چین سندی را با همه ۱۰ عضو آ.سه.آ. امضا نمود. این سند دربرگیرنده محکومیت هر اقدام تحریک آمیزی از سوی هرکدام از طرفین (در رابطه با مسأله دریای چین جنوبی) بود، تا زمانی که همه سرزمین‌ها و منازعات بطور قضایی و صلح آمیز حل و

فصل شوند (ASEAN Secretariat, 2002). بدنبال آن، معاهدات دیگری در سال ۲۰۱۱ بوسیله چین و اعضای آ.سه. آن امضا شد، در این معاهدات در مورد مسایلی مانند هدایت خطوط دریایی جهت پیشرفت سند میان کشورها بیان شد؛ اما هیچکدام کوچک‌ترین نشانی از توافق در مورد مسائل مهم بهره برداری انرژی و تنش‌های نظامی نمی‌باشند (Simon, 2012: 6). برخی از کشورهای آ.سه. آن ترجیح می‌دهند مذاکرات به صورت چند جانبه باشد. بسیاری از کشورهای مدعی بر این باورند که به شکلی موثر، تنها مذاکرات چند جانبه می‌تواند مسأله دریای جنوبی چین را حل کند (Wong, 2010, p.1). در واقع، اعضای آ.سه. آن بطور جمعی و مالزی بطور خاص مشتاقند تا اطمینان یابند اختلافات ارضی در دریای جنوب چین منجر به درگیری‌های مسلحانه شدید بین همسایگان ساحلی این دریا نشود. به این ترتیب، مقامات این مجموعه بدنبال آنند تا در زمینه‌های مختلف در منطقه به اشتراکاتی با یکدیگر مانند توسعه مشترک در منطقه برسند تا مسأله حاکمیت بر دریا نیز به همین شیوه حل و فصل شود (China.org). بدین لحاظ، ایجاد یک سیستم جمعی و ارائه راه حلی برای مدیریت بحران منطقه بسیار مهم است. در ادامه به برخی راه حل‌های پیشنهادی اشاره می‌شود.

**به اشتراک گذاری منابع دریایی (کندومینیوم):** اولین راه ممکن برای خروج از تنش، استفاده از انرژی و منابع درون دریا به شکلی مشترک بعنوان وسیله ای برای آغاز یک فرآیند همکاری گسترده تر بعنوان اولین گام به سوی یک رژیم دریایی است. قدرت‌های دریایی و دارای ساحل می‌توانند از طریق به اشتراک گذاشتن منابع دریا از جمله نفت، گاز و شیلات همکاری‌های گسترده ای را با هم داشته باشند. از این راه می‌توان از اکتشافات غیر قانونی منابع دریایی و تعارضات و درگیری‌های ناشی از آن جلوگیری کرد. با این حال، به دلیل مدعی بودن برخی از کشورها نظیر چین و ویتنام مبنی بر حاکمیت بر کل جزایر، پذیرش این راه حل از سوی تمامی مدعیان بعید به نظر می‌رسد.

**حل اختلافات از طریق داوری بین‌المللی و یا میانجیگری شخص ثالث:** روش دیگر جهت کاهش درگیری‌ها، ارجاع اختلافات به دیوان بین‌المللی دادگستری و دادگاه بین‌المللی حقوق دریاهای می‌باشد. کشورها می‌توانند با مطرح کردن حقوقی و طرح پرونده در این دو نهاد به راه حل منصفانه ای دست یابند. همچنین، کشورهای دریایی از طریق پذیرش و یا انتخاب سازمانی



بیطرف، میانجیگری میان خود را پذیرا شوند و به حل و فصل مشکلات بپردازند و از این راه، خطر افزایش تنش در منطقه کاهش یابد. در جنوب دریای چین، وساطت می‌تواند از سوی آ.سه.آن و یا بازیگر مورد اعتماد طرفین، بازیگر بیطرف در منطقه مانند سنگاپور صورت بگیرد. اعضای آ.سه.آن نیز می‌توانند برای نشست یک جلسه اضطراری شورای امنیت سازمان ملل متحد برای مذاکره آتش بس اقدام نمایند، اگر چه صندلی چین در شورا می‌تواند موثر بودن این گزینه محدود می‌کند<sup>17</sup>(cfr.org). با این حال، به دلیل مخالفت چین در ارجاع اختلافات به دادگاه‌های بین‌المللی و اعلام آمادگی این کشور برای مذاکرات دو جانبه و حل آن میان خود کشورها، چشم انداز این روش تاریک به نظر می‌رسد. با توجه به حساسیت موضوع و پیچیدگی اختلاف، بسیار بعید است که بازیگران مدعی، موافق به مراجعه اختلاف از طریق دادگاه یا داوری باشند(Beckman,2012:3).

**ارتباطات و همکاری نظامی:** افزایش گفتگوهای نیروهای نظامی کشورها، دیدار و بازدید از تجهیزات نظامی یکدیگر در رده‌های بالا، خطوط تماس ویژه نظامی در مواقع اضطراری، همکاری‌های نظامی و برگزاری مانورهای مشترک مانند آنچه در همکاری ژاپن و استرالیا مطرح شد، می‌تواند اعتماد میان کشورهای واقع در دریای چین جنوبی را افزایش دهد و از قاچاق مواد مخدر و مهاجرت‌های غیرقانونی و ناامنی زیست محیطی دریا بر اثر صیدهای بیش از حد و غیرمجاز جلوگیری به عمل آورند.

**همکاری اقتصادی با عضویت کشورهای اطراف دریای جنوبی چین:** پیشرفت صلح آمیز چین با سرعت بیشتری نسبت به رشد آسیای جنوب شرقی در حال افزایش است. در سال ۲۰۰۹، ۷۰ درصد کل تجارت آ.سه.آن با چین بوده است. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی<sup>18</sup> چین در آسیای جنوب شرقی هنوز درصد کوچکی از کل است؛ ولی پکن همچنان به سرمایه‌گذاری‌های خود ادامه می‌دهد. در سال ۲۰۰۹ چین حدود ۲۰ درصد در این منطقه سرمایه‌گذاری مستقیم داشت، اما با تمام تلاشهای چین در جهت گسترش تجارت، در منطقه جنوب شرق آسیا نیز مانند بقیه نقاط جهان، نسبت به سرمایه‌گذاری‌های بزرگ چینی بخصوص در رابطه با توسعه منابع طبیعی حساسیت وجود دارد(Womack,2011:377).

<sup>17</sup>. Council on Foreign Relation

<sup>18</sup>. Foreign Direct Investment (FDI)

پیشنهاد همکاری اقتصادی دریای چین جنوبی یعنی سازمان همکاری‌های اقتصادی دریای چین جنوبی<sup>۱۹</sup> که در یک کنفرانس چینی با حضور محققان جنوب شرق آسیا در هایکو<sup>۲۰</sup> (استان هاینان) در ماه مارس ۲۰۰۸ برگزار شد، یک مکانیسم برای ترویج تجارت، سرمایه‌گذاری و تقویت همکاری در زیرساخت‌ها، گردشگری و کشاورزی در منطقه می‌باشد. چین همچنین به خلیج تانکین<sup>۲۱</sup> بعنوان انجمن همکاری اقتصادی و مبنایی برای همکاری با آ.سه.آن بر مسائل دریایی مانند دریای جنوب چین اشاره دارد. اولین گردهمایی در ماه ژوئیه ۲۰۰۶ برگزار شد و شامل کشورهای آ.سه.آن و همچنین کره بود. این گردهمایی برای توسعه روابط نزدیک تر میان چین و آ.سه.آن شکل گرفت. از دیدگاه چینی‌ها این اقدام‌ها برای همکاری و کاهش تنش‌ها در دریای جنوب چین مفید بوده است (Buszynski, 2010: 100). از آن پس تاکنون نیز طی جلسات متعددی که بین مقامات کشور چین و کشورهای عضو آ.سه.آن برگزار می‌گردد، همواره موضوع همکاری‌ها مطرح می‌شود و کشورهای منطقه بخصوص چین خواستار همکاری کشورهای دهگانه این بلوک برای حفظ صلح و امنیت در دریای جنوبی چین و رای تنش‌های ایجاد شده می‌باشند.

### نتیجه‌گیری

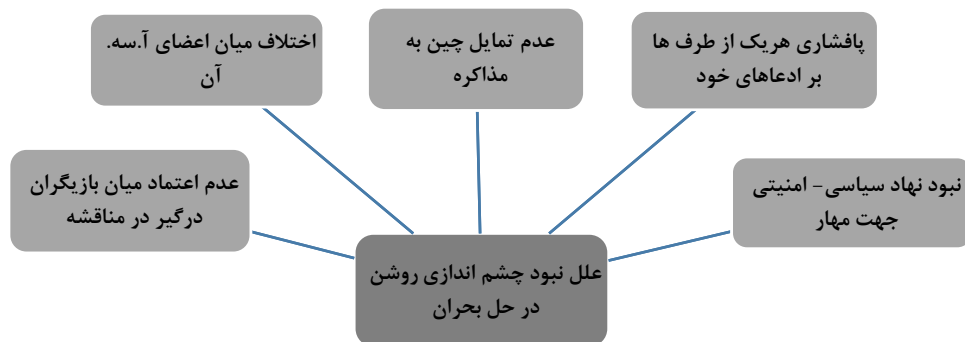
دریای جنوبی چین بخصوص پس از جنگ جهانی دوم به عنوان یک منطقه ژئوپلیتیک شناخته می‌شود. عواملی که باعث شده اند این منطقه اهمیت ژئوپلیتیک پیدا کند توسعه روز افزون اقتصادی و نظامی چین، افزایش تعداد بازیگران منطقه ای و تشدید حضور بازیگران فرامنطقه ای است. کشف منابع معدنی و هیدروکربنی در بستر و زیر بستر این دریا، کشف مقادیر زیادی از منابع نفتی و گازی در جزایر واقع در این دریا نیز تأثیر زیادی بر تحولات ژئوپلیتیک منطقه داشته است. تمایل کشورهای حاضر در منطقه برای بهره‌مندی هرچه بیشتر از این منابع و از ظرفیت‌های بالقوه ژئوپلیتیک باعث شده است دریای جنوبی چین به عرصه‌ای برای رقابت‌های ژئوپلیتیک تبدیل شود. در این میان چین به عنوان مهمترین بازیگر منطقه ای در این دریا تاکنون توانسته است گوی سبقت را از رقبای منطقه ای و از آمریکا به عنوان رقیب جهانی حاضر در این منطقه برآید. سایر کشورهای منطقه نیز البته با پشتوانه آمریکا سعی در مهار قدرت نمایی چین را دارند. این مسأله باعث شده است دریای چین جنوبی در معرض نگرانی رو به رشد ادعاهای ارضی متضاد، دزدی دریایی، شکار غیر قانونی، کاهش منابع، آلودگی، قاچاق مواد مخدر، مهاجرت غیر

<sup>۱۹</sup>. South China Sea Economic Cooperation Organization (SCSEC)

<sup>۲۰</sup>. Haikou

<sup>۲۱</sup>. Gulf of Tonkin

قانونی و تهدید تروریسم قرار بگیرد. شش کشور اصلی (چین، ویتنام، فیلیپین، برونئی، مالزی و تایوان) ادعاهایی در دریایی چین جنوبی دارند، که این ادعاها با هم متداخل و گاهی متناقض است. کشورهای کوچک پیرامون چین مانند برخی اعضای آ.سه.آن که در مسأله دریای جنوبی چین با پکن درگیری دارند، نگران هستند که چین با ظهور و خیزش خود در همه‌ی ابعاد به خصوص در زمینه قدرت نظامی دریایی، سیاست‌های توسعه‌طلبانه و تهاجمی گرایانه‌ی او را در قبال موضوع دریای جنوبی چین در پیش بگیرد. برای یک دولت نسبتاً قوی مانند چین، بهترین راه برای رسیدن به این هدف، تبدیل شدن به قدرتی قوی‌تر از متجاوزان بالقوه در محدوده‌ی خود است که این نگاه می‌تواند چین را به هژمون منطقه‌ی تبدیل کند. به همین خاطر در جهت تعادل در برابر این قدرت بزرگ سایر کشورهای منطقه به تحکیم و توسعه روابط و همکاری‌های نظامی و اقتصادی با دیگر قدرت‌ها نظیر آمریکا، ژاپن و استرالیا اقدام نموده‌اند. نتیجه انباشته شدن عدم تغییر رفتار و عدم همکاری میان مدعیان برای رسیدن به سیاستی جهت حل و فصل عادلانه در مناقشه‌ی دریای چین جنوبی عدم اعتماد و عدم امنیت را در منطقه به دنبال داشته است. این فقدان اعتماد میان چین و دو مدعی سرسخت دیگر یعنی ویتنام و فیلیپین برجسته‌تر می‌باشد که به اعتبار این منطقه به عنوان یکی از راه‌های اصلی تجارت بین‌الملل خدشه وارد کرده است. به نظر می‌رسد کشورهای این منطقه باید خویشتن‌داری و همکاری را در میان خود افزایش دهند. چین باید یک سیاست منطقه‌ی دوستانه اتخاذ کند و آ.سه.آن نیاز به یک استراتژی واقعی برای پیشبرد همکاری با یکدیگر در برابر مسأله دریای جنوب چین و مجمع الجزایر آن دارد. این استراتژی شامل اقدامات اعتماد ساز نظامی برای ایجاد همکاری‌های نظامی و مشاوره‌های نظامی و به حداقل رساندن بی‌اعتمادی است. ایالات متحده آمریکا و چین نیز نیاز به روشن کردن منافع خود و پیروی از یک چارچوب همکاری جویانه در روابط دو جانبه جهت جلوگیری از برخی تنش‌ها در روابط قدرت‌های بزرگ و به دنبال آن تأثیر آن بر مناطق دارند (Cronin, 2013:5). با این حال در آینده نمی‌توان یک راه حل مشترک برای مسأله دریای جنوبی چین انتظار داشت. فقدان اعتماد و امنیت از یکسو و تشدید تنش‌ها میان کشورهای مدعی و تأخیر در حل دیپلماسی گرایانه مسأله از سوی دیگر، موجب گردیده است که حل این تنش تا آینده‌ی نزدیک نامعلوم بماند، زیرا کوشش کشورها برای توسعه منابع انرژی بدون توجه به حقوق دیگران می‌تواند منجر به افزایش درگیری‌های بیشتر در منطقه گردد.



## منابع و مآخذ

- الهی، همایون (۱۳۸۴)، *خلیج فارس و مسائل آن*، چاپ هشتم، تهران، نشر قومس.
- باقی، محمدحسین (۱۳۹۸)، *معمای چین: رقابت های ژئوپلیتیک در قرن ۲۱ و تغییر موازنه قدرت در شرق آسیا*، تهران، امین الضرب.
- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۷۹) تعریفی نو از ژئوپلیتیک، *فصلنامه تحقیقات جغرافیایی*، شماره ۵۸ و ۵۹.
- خضری، رؤیا (۱۳۹۱)، *سیاست همسایگان چین در مناقشه دریای جنوبی چین، ماهنامه علوم سیاسی رویدادها و تحلیل ها*، شماره ۲۶۹، دی و بهمن.
- خضری، رؤیا (۱۳۹۲)، *راهبرد استراتژیک آمریکا در دریای جنوبی چین، ماهنامه علوم سیاسی رویدادها و تحلیل ها*، شماره ۲۷۳، تیرماه.
- خضری، رؤیا (۱۳۹۱)، *استراتژی چین و آمریکا در دریای جنوبی چین، فصلنامه سیاست خارجی*، شماره ۱۰۲، پاییز.
- دادس، کلاز (۱۳۹۰)، *ژئوپلیتیک (مقدمه ای بسیار کوتاه)*، مترجمان: زهرا پیشگاهی فرد، محمد زهدی گهرپور، تهران: نشر سپهر، انتشارات زیتون سبز.
- سیف زاده، سید حسین (۱۳۸۶)، *سیاست خارجی ایران*، تهران: نشر میزان.
- شیهان، مایکل (۱۳۸۸)، *امنیت بین الملل*، ترجمه جلال دهقانی فیروزآبادی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ اول.
- طباطبایی، سید محمد و امیر قیاسی (۱۳۹۲)، *راهبرد سیاسی و امنیتی ایالات متحده آمریکا در قبال چین (۲۰۱۲-۲۰۰۸)*، براساس تئوری موازنه نرم، *فصلنامه مطالعات جهان*، دوره ۳، شماره ۲، صص: ۳۰۲-۲۶۹.
- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۱)، *جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی*، تهران، سمت.

- مسرور، محمد و محمد حسن خانی (۱۳۹۷)، بازآرایی ژئوپلیتیکی در دریای جنوبی چین، فصلنامه ژئوپلیتیک، تابستان، شماره ۲، صص: ۱۹۶-۱۶۸.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۹۱)، تحول در نظریه های روابط بین الملل، تهران: انتشارات سمت، چاپ هفتم.
- مصلی نژاد، عباس (۱۳۹۰)، "تحلیل موازنه سیاست موازنه قدرت ایران در رهیافت رئالیستی و نئورئالیستی"، فصلنامه پژوهش های روابط بین الملل، دوره نخست، شماره ۱، پاییز.
- مک کین لای و آر لیتل (۱۳۸۰)، امنیت جهانی: رویکردها و نظریه ها، ترجمه اصغر افتخاری، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- موسوی، محمدعلی، اسفندیار خدایی (۱۳۹۵)، روابط آمریکا و چین در خلیج فارس: همکاری یا تقابل، فصلنامه روابط خارجی، سال هشتم، شماره اول، بهار ۹۵، صص ۸۸-۶۱.
- ASEAN Secretariat (1992). ASEAN Declaration on the South China Sea. Retrieved November 20, July 22, 2013, from NUS Centre for International Law: <http://cil.nus.edu.sg/tp/pdf/1992%20ASEAN%20Declaration%20on%20the%20South%20ChIna%20Sea-pdf.pdf>
- ASEAN Secretariat. (2002). "Declaration on The Conduct of Parties in The South China SEA". November 4. Retrieved November 18, 2013, from ASEAN: <http://www.asean.org/news/item/declaration-on-the-conduct-of-parties-in-the-south-chinasea-2>
- Asia Report (2012). "Stirring up The South China Sea", working to prevent N. 223. 23 April. **international crisis group working to prevent conflict worldwide.**
- Ba, A. D. (2011). Staking Claims and Making Waves in the South China Sea: How Troubled Are the Waters? **Contemporary Southeast Asia**, 33 (3), 269-91.
- Beckman, Robert (2012). "Geopolitics, International Law and the South China Sea", The Trilateral Commission, Tokyo Plenary Meeting, Okura Hotel, 21-22 April.
- Buszynski, Leszek, Rising (2010), "Tensions in the South China Sea: Prospects for a Resolution of the Issue", Security Challenges, Vol. 6, No. 2 (Winter 2010), pp. 85-104.
- Castro, Renato Cruz De (2012), "The Philippines in the South China Sea dispute", The National Security College is a joint initiative of the Commonwealth Government and The Australian National University, 2012, p32 [nsc.anu.edu.au/.../occasional-5-brief-6](http://www.nsc.anu.edu.au/.../occasional-5-brief-6)
- Cronin, Patrick M (2013), "The Strategic Significance of the South China Sea", **CSIS (CENTER FOR STRATEGIC INTERNATIONAL STUDIES)** 1800 K Street NW, Washington DC 20006 p.202.887.0200 F.202.775.3199 At: [www.CSIS.org](http://www.CSIS.org)
- Dicke Vera and Holbig Heike (2014), "Rising Sino-Vietnamese Tensions in the South China Sea", **GIGA German Institute of Global and Studies Leibniz-Institut für Globale und Regionale Studien**, Number 8, ISSN 2196-3940
- Jimbo, Ken (2011). "Japan's Security Strategy Toward China", **The Tokyo foundation**, October 2011. [www.tokyofoundation.org/en](http://www.tokyofoundation.org/en)
- Joyner, Christopher C (1988). "The Spratly Islands Dispute in the South China Sea: problems, policies and prospects for diplomatic accommodation", At available: [www.stimson.org/.../research-pdfs/cbmapspratly](http://www.stimson.org/.../research-pdfs/cbmapspratly)

- Lam ,Yi Wen Rachel(2006) ,”The Spratly Islands dispute: Multilateral negotiations within ASEAN and with China”, **International Negotiations** ,University of Bern [www.iew.unibe.ch/.../addor\\_lam-rachel\\_ger](http://www.iew.unibe.ch/.../addor_lam-rachel_ger).
- McDorman, T.L (1993) “the South China Sea Islands Dispute in the 1990s A New Multilateral Process and Continuing Friction”, **the International Journal of Marine and Coastal Law**, V.8, N.2
- Shawoluddin, Wan (2002). “The Spratlys Dispute and the Major powers” Jati, Bilangan 7,Disember2002,atavailable: <http://repository.um.edu.my/525/1/8.%20137147%20Wan%20Shawaluddin>
- Simon, S. W. (2012). Conflict and Diplomacy in the South China Sea: The View from Washington. **Asian Survey**, 52 (6), 995-1018.
- Singh, Amit (2011).”South China Sea Dispute: A New Area of Global Tension”, **National Maritime Foundation**, July 2011. website: [www.maritimeindia.org](http://www.maritimeindia.org)
- Smith, Daniel (2014),”APPORTIONMENT AND SEQUENTIAL ALLOCATION:Toward a Fair Division Method for the Spratly Islands Dispute”, **Journal of Political Inquiry at New York University**, Spring Issue, At: [www.jpinyu.com/wp-content/uploads/2015/01/9](http://www.jpinyu.com/wp-content/uploads/2015/01/9)
- The Economist. (2013, February 9). All change at ASEAN. Retrieved November 17, 2013 ,from **The Economist**: [www.economist.com/news/asia/21571461-hopes-calmer-times-underyears-new-management-all-change-asean](http://www.economist.com/news/asia/21571461-hopes-calmer-times-underyears-new-management-all-change-asean).
- Turcsanyi, Richrad Q.(2018). **Chinese Assertiveness in the South China Sea**, Power Sources,Domestic Pplitics, and Reactive Foreign Policy, Part of the Global Power Shift book series (GLOBAL), Cham, Switzerland : Springer, 2018.
- Womack, Brantly (2011),”The Spratlys: From Dangerous Ground to Apple of Discord”, **Contemporary Southeast Asia** Vol. 33, No. 3 , pp. 370-87.

#### سایت‌های اینترنتی

- باشگاه خبرنگاران(۱۳۹۸/۰۲/۱۹)، مانور دریایی ژاپن و آمریکا در دریای چین جنوبی علی رغم مخالفت پکن، در:  
<https://www.yjc.ir/fa/news/6927315/>
- پرس تی وی(۲۵ مه ۲۰۱۷)، گشت زنی رزم ناو آمریکایی در نزدیکی آب های جنوبی چین، در:  
<https://www.presstv.com/Detail/Fr/2017/05/25/523140/US-warship-China-South-China-Sea>
- خبرگزاری آنا تولی(۲۰۱۹/۰۲/۱۱)، ورود ناوشکن های آمریکایی به دریای جنوبی چین، در:  
<https://www.aa.com.tr/fa/1389201>
- خبرگزاری مهر(۱۳۹۴/۰۴/۰۶)، پای ژاپن هم به دریای چین جنوبی باز شد/ همکاری با آمریکا و فیلیپین، در:  
<http://www.mehrnews.com/news/2788206> شناسه خبر ۲۷۸۸۲۰۶
- ۴۲- شریعتی نیا، محسن(۱۳۹۱/۱۰/۲۴)، تنش در دریای چین جنوبی دارای چه ابعاد ژئوپلیتیکی است؟ دریای چین جنوبی: کانون <http://www.bultannews.com/fa/news/119459> جدید بحران، بولتن نیوز، ۵۸:۱۰. در

– ۴۳- یورو نیوز (۲۰۱۸/۰۵/۱۹)، رزمایش بمب افکن های چینی در جزایر مورد مناقشه در دریای جنوبی

چین، در:

- <https://fa.euronews.com/2018/05/19/china-airforce-military-exercise-south-china-island>
- Wong, Edward (4 February, 2010), Vietnam Enlists Allies to Stave Off China’s Reach. At: [http://www.nytimes.com/2010/02/05/world/asia/05hanoi.html?\\_r=0](http://www.nytimes.com/2010/02/05/world/asia/05hanoi.html?_r=0)
  - BBC. (2013) “Q&A: South China Sea dispute”. Retrieved November 18, 2013, from BBC News: <http://www.bbc.co.uk/news/world-asia-pacific-13748349>
  - Direct bilateral dialogue 'best way to solve disputes'(July 26, 2010), At: <http://www.china.org.cn/China Daily>
  - ASEAN balks on singling out China in communique(4 October 2014). At: <http://www.japantimes.co.jp/>
  - The Japan Times. (2013).“Code of conduct for South China Sea”. Retrieved November 19, 2013, from The Japan Times: <http://www.japantimes.co.jp/opinion/2013/11/03/editorials/code-of-conduct-for-south-chinasea/>
  - <http://www.cfr.org/asia-and-pacific/chinas-maritime-disputes/p31345#!>
  - McDowell, Robin (Thursday 21 July 2011), A look at the top issues at Asian security meeting , At: <http://www.theguardian.com/world/feedarticle/9755825>
  - Resolving S.China Sea disputes pivotal to stability: Clinton, By Agence France Presse. At: [http://www.alternet.org/rss/breaking\\_news/242299/](http://www.alternet.org/rss/breaking_news/242299/)

